

## انتفاضه سوم آذر مدرسی

پایان کشتار مردم نوار غزه و تشکیل دولت وفاق ملی به رهبری محمود عباس، امیدی به آسایش و امنیت را در دل مردم فلسطین در نوار غزه بوجود آورده بود، امیدی که با راه افتادن مجدد شهرک سازی اسرائیل در منطقه عرب نشین در شرق اورشلیم، با قدری دولت دست راستی اسرائیل و شانه بالا انداختن برای "اعتراض" دول غربی، با سکوت و مماشات محمود عباس و دولت خودگردان در مقابل آن، به سرعت به خشم هرچه بیشتر مردم فلسطین علیه کشتارهای اخیر دولت اسرائیل در نوار غزه، علیه دولت خودگردان، محمود عباس و دولتهای راست و فاسد عرب تبدیل کرد. ... صفحه ۲

## عمله ها و وزیران

مصطفی اسدپور

در طول هفته گذشته، ترکان معاون اول رئیس جمهور با اظهارات درخشان توجه فراوانی را بخود جلب فرمودند: آنچه که تامین اجتماعی تحت عنوان بیمه بیکاری از ساخت و سازها می گیرد، بیشتر شبیه پول زور است! این اظهارات پرده از تکاپوی دولت و مجلس در تصویب مصوبه تازه ای در زمینه بیمه کارگران ساختمانی در ایران برمیداشت. بله، حکایت بیمه برای کارگران ساختمانی وارد پرده جدیدی شده است! هر چقدر هم که در کلاف انواع خبرهای تکراری سر در گم شده باشید، هر چقدر هم که از بد دهنی جناب معاون دولت اعصابتان خرد شده باشد، اما بهر صورت یکبار دیگر سر زخم عدم بیمه های کارگران ساختمانی سر باز نمود. کسی نیست یقه عالیجنابان صاحب مملکت را بگیرد، کدام بیمه؟ تکلیف ایام بیماری و از کار افتادگی و بیکاری گریبانگیر قریب پنج میلیون کارگر ساختمانی در آن جامعه چیست؟

دنیای ما دنیای جنون سرمایه است. بدون نیاز به ارجاع به مفاهیمی مثل جامعه طبقاتی و دولت بورژوازی ضد کارگر، عوامفریبی، استثمار، عصر تعرض نئولیبرالیستی به طبقه کارگر و ... فهم ساده تشخیص میدهد که این یک بازی برای دور نگه داشتن کارگران ساختمانی از همان سطح ناچیز بیمه های جاری کارگری در ایران است. شمول بیمه های اجتماعی برای کارگران ساختمانی در ایران تنها عمر هشت ساله، پس از تصویب اولین قانون مربوطه در مجلس خرداد سال ۱۳۸۴ را پشت سر خود دارد!

سرمایه داری هر کثافتی باشد اما هنوز اینرا میتوان به حساب ننگ آورترین جنبه های تاریخ آن نوشت. دو سال بعد تر و با تصویب "جزئیات" اجرایی، طرح مربوطه عملا به طرحی برای تکه کردن کارگران و نفی بیمه آنها تبدیل گردید. مصطفی چمران نماینده مجلس این قانون را کیسه گشاد سازمان تامین اجتماعی از راه حق بیمه کارگران خواند: بیمه کارگران ساختمانی وجود خارجی ندارد! ... صفحه ۴

## بفرمائید ته صف! در حاشیه افاضات اخیر شیرین عبادی

فواد عبداللہی

"نمی توان مسیحیت را بزرگ کرد یا آن را آراست، مسیحیت بر علیه نوع والای بشری تا سر حد مرگ جنگیده است!" نیچه

۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان بود. "خشونت علیه زن" مدت ها است موضوع مباحثه و مجادله فعالین و محققین گرایشات متفاوت اجتماعی بوده است. از زمانی که عروج سرمایه داری به بازتولید این خشونت در اشکال نوین آن شکل داده و به مثابه یک اهرم اساسی هر روز آن را صیقل میدهد، زن چیزی جز موقعیت پست و فرودست خود را در این نظام تجربه نکرده است. تحمیل فقر، فلاکت، بیکاری و رقابت و در کنار آن رواج فحشا و تن فروشی و بازتولید مذهب و خرافه و تفرقه و آپارتاید جنسی بر انبوه ساکنین کره زمین، زمینه ساز ستم بر زن در دنیای امروز ما است. چهره کریه نظام سرمایه بدون اشکال متنوع و "آزاد" ستم بر زن، قابل تصور نیست. فرهنگ حاکم و غالب بر هر جامعه، فرهنگ طبقه حاکم بر آن جامعه است که بی تردید در خدمت قوام و قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم به کار گرفته می شود. جامعه سرمایه داری بر استثمار و مالکیت خصوصی استوار است و لذا همه هر آنچه سودآوری سرمایه را به مخاطره اندازد ناچار است با "فرهنگ خشونت" جواب گیرد.

بی شک پرداختن به مسله "خشونت بر زن"، نه با نکوهش اخلاقی و ترحم دروغین و مبتذل، بلکه با دست بردن به ریشه ستم کشی زن در نظام سرمایه داری قابل توضیح و قابل حل است. دلایل باد زدن هر روزه مذهب، ناسیونالیسم و تفرقه جنسی و از میان بردن قطعی آنها در گرو بزیر کشیدن کار مزدی و برقراری سوسیالیسم است. کشیش و آخوند و خاخام و خیل شیپورچی های مزبگیر و رسانه های

بورژوازی مزدور این نظام، هر روز "تابو"ها را بار می دهند تا در این جنگ نابرابر باورهای انسان به نفع سرمایه داری شکل بگیرد و تداوم یابد.

طبعاً روبنای سیاسی - مذهبی حاکم بر جامعه ایران، و نقشی که قوانین سیاه اسلامی و مردسالار در زندگی خصوصی و اجتماعی اکثریت جامعه بازی میکند، رواج وسیع و دهشتناکی به خشونت و ستم کشی بر زن داده است. چنین ویژگی به همان میزان که امکانات و منابع بیشتری را در اختیار مردان میگذارد و اقتدار اجتماعی آنان را مهیا میکند، زنان را با فشار به موقعیت فرودست و برده وار عقب می راند و به تمکین می کشاند. هر چند که بروز خشونت نسبت به زن در دوران معاصر، ذاتی جامعه سرمایه داری است و در ایران نیز با حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز نگشته است، اما قوانین حقوقی و دولتی این رژیم چنان تدوین شده که زمینه کاربرد عملی خشونت علیه زنان را در اختیار می گذارد. یکی از اهداف جمهوری اسلامی در جریان به قدرت رسیدنش با سرکوب انقلاب ۵۷، اسلامی کردن روابط اجتماعی، کنترل روابط دو جنس، جدایی کامل زن و مرد و برگرداندن کامل زنان به خانه بود. اما در اجرای این هدف، با جامعه ای مواجه بود که با جوامع بدوی و قبیله ای، تفاوت های اساسی ای داشت: یک جامعه تازه صنعتی و سرمایه داری شده با نهادهای اقتصادی و اجتماعی رشد یابنده، دستگاه دولتی، و حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی.

به خانه راندن این توده وسیع زنان که مهمتر از همه در انقلاب ۵۷ فعالانه شرکت داشتند، با اجرای شعار و سیاست "یا روسری یا توسری" ممکن نشد. این را حتی متحجرترین و عقب مانده ترین آیت الله ها بزودی دریافتند. از این رو جمهوری اسلامی در کنار عریه کشی های حجت الاسلام ها در نماز های جمعه علیه زنان، و در کنار فرستادن گشتهای اسلامی رنگارنگ به خیابانها و کمین برای زنان، در کنار سرکوب زنان و اعزام گله های حزب الله علیه آنان در هر اوضاع تنش آمیز سیاسی، انواع فمینیست - اسلامی ها و اصلاح طلبان "خوش خیم" مانند شیرین عبادی ها و فرخ نگهدارها را هم در ترشی خوابانده است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

خشمی که در جواب به کشتار وحشیانه مردم فلسطین توسط ارتش فاشیست اسرائیل به خیابانهای اورشلیم کشید، از درگیری های خیابانی تا سوء قصد و عملیات انتحاری علیه شهروندان اسرائیلی دنیا "خطر" انتفاضه سوم را هشدار میدهد، دولت اولترا راست اسرائیل خود را برای پاکسازی قومی فلسطینی ها آماده میکند و رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین محمود عباس اعلام کرده بود که اجازه شکلگیری انتفاضه سوم را نخواهد داد.

هیچ کلامی جز "قربانیان بیدفاع" بیان کننده وضعیت مردم ستم دیده فلسطین نیست. مردمی که سالها است قربانی معامله گری، گرو کشی کل ارتجاع در منطقه اند، مردمی که سالها است در منگنه صهیونیسم حاکم در اسرائیل و ناسیونالیسم راست، فاسد و معامله گر عرب که مصائب مردم فلسطین را دستمایه تحکیم موقعیت خود در کشمکشهای منطقه میکنند، قرار گرفته اند. مردمی که همه "نمایندگان شان" امری جز خلاصی آنها از تحقیر، تبعیض، قتل و کشتارهای دسته جمعی توسط یکی از هارترین و کثیف ترین دولتها و ارتشهای جهان، دارند. مردمی که برای پایان دان به مصائب زندگی خود همه راهها را طی کرده و میکنند. مردمی که حتی یک لحظه امید پایان یافتن این وضعیت را از دست نداده اند. مردمی که مدتها است بطور سیستماتیک مورد خیانت "رهبران" خود قرار میگیرند. امروز بیشتر از هر زمانی عجز و ناتوانی ناسیونالیسم رسمی عرب از حل مسئله فلسطین لخت و عربان در مقابل مردم فلسطین قرار گرفته است. حتی میدیای رسمی از لختی، سستی و بیمایگی و مواضع انفعالی دولت خودگردان در قبال جنایات دولت اسرائیل، از انزجار مردم فلسطین از همکاری امنیتی محمود عباس با دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین حرف میزنند.

هیچ زمانی مانند امروز زمان برای حل مسئله فلسطین و پایان دادن به مصائب شصت ساله مردم فلسطین آماده نبوده، هیچ زمانی مانند امروز اسرائیل در انزوای سیاسی کامل و مورد انزجار بشریت آزادیخواه نبوده، هیچ زمانی مانند امروز مردم در سراسر جهان در حمایت از حل مسئله فلسطین، تشکیل دولت مستقل فلسطین و اعلام نفرت از صهیونیسم حاکم در اسرائیل علنا به میدان نیامدند و هیچ زمانی به اندازه امروز مردم فلسطین خلع سلاح شده و بی نمایندند، حتی نماینده ای ناسیونالیست رادیکال و میلیتانت مانند جرج حبش و یا ماندلا، برای پایان دادن به مصائبشان نبوده اند.

این درجه از انزوای سیاسی اسرائیل حتی در میان متحدین دیروز و امروز خود، این درجه سمپاتی جهانی به حل مسئله فلسطین بهترین امکان و شرایط را برای حل مسئله فلسطین را فراهم کرده است. اما فساد و بیمایگی ناسیونالیسم عرب، از دولت های فاسد عربی تا دولت خودگردان که فقط

و فقط بر سر مصائب مردم فلسطین سرمایه گذاری کرده و مشغول دیپلماسی و امتیازگیری هستند، از یکطرف و فاشیسم لجام گسیخته اسرائیل دست یابی به صلح و تشکیل دولت فلسطین را غیر ممکن میکنند.

با شروع تشنج ها در اورشلیم دولت دست راستی اسرائیل تعرضی وسیع و همه جانبه را به ساکنین فلسطینی اورشلیم شروع کرده است. از نظامی کردن محل کار و زندگی آنها، از کنترل نظامی کامل بر محلات فلسطینی نشین، از تحریکات مذهبی، از ممانعت از ورود کارگران عرب زبان به مدارس اسرائیلی تا خراب کردن خانه فلسطینی ها به بهانه دخالت در حملات نظامی را به عنوان اقدامات پیشگیرانه از گسترش خشونت شروع کرده و در مقابل اعتراضات حتی لفظی دولتهای اروپایی با قلدری ویژه خود شانه بالا انداخته و به

**این درجه از انزوای سیاسی اسرائیل حتی در میان متحدین دیروز و امروز خود، این درجه سمپاتی جهانی به حل مسئله فلسطین بهترین امکان و شرایط را برای حل مسئله فلسطین را فراهم کرده است.**

**اما فساد و بیمایگی ناسیونالیسم عرب، از دولت های فاسد عربی تا دولت خودگردان که فقط بر سر مصائب مردم فلسطین سرمایه گذاری کرده و مشغول دیپلماسی و امتیازگیری هستند، از یکطرف و فاشیسم لجام گسیخته اسرائیل دست یابی به صلح و تشکیل دولت فلسطین را غیر ممکن میکنند.**

آنها وقعی نمیگذارد. نتانیاهو در کنار این تعرض سیستماتیک به ساکنین فلسطینی اسرائیل با طرح "دولت ملی یهود" نه فقط به هویت مذهبی و قومی اسرائیل رسمیت میدهد که تدارک یک پاکسازی قومی - مذهبی وسیع را می بیند. طرحی فاشیستی که عملا شرط زندگی در اسرائیل را اسرائیلی و یهود بودن، و قسم خوردن و وفاداری به منافع دولت و "ملت یهود" اعلام میکند. وزیر خارجه اسرائیل با کمال بیشرمی اعلام کرده است: "آنهايي که مصمم به حفظ هویت فلسطینی خود هستند می توانند تابعیت اسرائیلی خود را پس دهند، از این شهرها بروند و شهروند کشور آتی فلسطین بشوند." لیبرمن برای یهودی کردن کامل اسرائیل در کنار دعوت از یهودیان جهان برای زندگی در اسرائیل پیشنهاد تشویقهای اقتصادی به فلسطینی ها برای خروج از اسرائیل قومی مذهبی آتی را میدهد. اولترا راست قومی مذهبی حاکم در اسرائیل هر اقل و راه حل انسانی را کور میکند.

در مقابل این تعرضات سیستماتیک و فاشیستی اما دول عربی و دولت خودگردان به بازی دیپلماتیک در دالانهای مجامع بین المللی مدافع اسرائیل مشغول اند و به آن بسنده میکنند. با وجود علم به اینکه هر قطعنامه ای علیه اسرائیل با وتوی امریکا مواجه خواهد شد قطعنامه ای برای محکومیت

شهرک سازیهای اسرائیل و خروج نیروهای اسرائیلی از مناطق اشغالی اورشلیم تا سال ۲۰۱۶ شده اند. واقعا به این درجه از "تعرض" و "شهامت و جسارت و پیگیری" ناسیونالیسم عقیم و فاسد عرب در دفاع از مردم فلسطین باید دست مریزاد گفت!!!

حتی میدیای رسمی از بیهودگی این سیاست، از اینکه علیرغم غیرقانونی خواندن خانه سازی در اورشلیم از طرف همه اعضا شورای امنیت اما هر قطعنامه ای علیه اسرائیل با وتوی امریکا یا انگلیس یا فرانسه روبرو خواهد شد، حرف میزنند. اما دول عربی و محمود عباس برای سر دواندن مردم فلسطین، برای بازار گرمی برای خود بعنوان "مدافعین" مردم فلسطین مشغول بازی های دیپلماتیک در مجامع بین المللی اند. بازی کثیف کشتار از طرف اسرائیل و دیپلماسی از طرف دول عربی قرار است همچنان ادامه داشته باشد.

اگر مردم فلسطین تا دیروز علیرغم علم به مماشات محمود عباس با دولت اسرائیل، علیرغم علم به همکاری های امنیتی و نظامی او با اسرائیل و علیه مردم فلسطین هنوز سوسوی امیدی به صلح داشتند، امروز محمود عباس و دولت خودگردان فلسطین را بیربط به مصائب خود و نماینده دولت اسرائیل در نوار غزه، کرانه باختری و اردوگاههای پناهندگان میدانند و به صراحت میگویند: "هیچ امیدی به آنها نداریم زیرا دیدیم آنان چگونه با اسرائیل تجاوزگر علیه غزه همراه و همگام شدند و درصدد ریشه کن کردن مقاومت در باریکه غزه برآمدند." می گویند: "احساس ما این است که تنها تفاوت سربازان دولت خودگردان با سربازان اسرائیلی پرچم (فلسطین) است که زیر آن خدمت می کنند".

انتفاضه اول و دوم علیه دولت اشغالگر اسرائیل همزمان به ناسیونالیسم رسمی عرب نه گفت. از دل انتفاضه اول و دوم در مقابل این ناسیونالیسم راست و مماشاتگر عرب، حماس و ... را بعنوان "نماینده" مردم فلسطین برای پایان دادن به تحقیر و تبعیض و اشغالگری انتخاب کرد. در غیاب یک صف رادیکال و چپ هر جریان میلیتانت دیگری با هر اقل ارتجاعی یا راستی میتواند در مقابل محمود عباس و ناسیونالیسم عرب هم جبهه امریکا در منطقه قد علم کند. امروز حماس از تشکیل ارتشی مردمی در نواز غزه حرف میزند، مروان برغوئی (رهبر انتفاضه دوم) از زندان فرمان مبارزه مسلحانه و انتفاضه سوم را میدهد.

بسته شدن امکان تشکیل دو دولت متساوی الحقوق آینده بدتری را برای مردم فلسطین و اسرائیل دارد فراهم میکند. جدال خونین تر، طولانی تر و دردناک تری را به دنبال دارد. ناتوانی و مماشات گری محمود عباس و دولتهای ارتجاعی و فاسد عربی راهی جز دست بردن به راههای سنتی جنبش مقاومت میلیتانت در مقابل کل این ارتجاع و تروریسم دولتی حاکم در اسرائیل در مقابل مردم فلسطین نمیگذارد.

بفرمایید نه صف ...

تا وقت خودش که رسید اینها را در مقابل اعتراض مردم علیه دخالت مذهب در زندگی، و کوتاه کردن دست دین از زندگی فردی و اجتماعی زنان و برای تداوم تبعیض طبقاتی و نابرابری جنسی با پرچم اسلام خوش خیم به اعاده حیثیت از اسلام و جمهوری خوش خیم اسلامی ایران به میدان بیایند. در چنین اوضاعی، این طیف از محافظین و مدافعین اسلام، منطقاً از دریچه های دیگری وارد شده و در تلاش اند تا گندکاری های جمهوری اسلامی و سایر جبهه های اسلامی را به اسلام نوع "بد"، غیر "معتدل" و "بنیادگرا" نسبت بدهند و اصل و اساس این مذهب ارتجاعی را حفظ کنند. در این میان، "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" باز هم بهانه ای شد تا "نابعه" های فمینیست - اسلامی همچون بانوی نوبل، خانم عبادی، بار دیگر "قهرمانانه" زیر بغل جمهوری اسلامی را بگیرند. در این روز، در سراسر جهان همه کسانی که نسبت به خشونت علیه زنان سخنی یا اعتراضی داشتند به میدان آمدند و حرفشان را زدند؛ و کسی جرات به خود نداد که از محسنات مظاهر کثیف مذهب در حق زن سخن بگوید. اما ظاهر شدن خانم عبادی از جنس دیگری است. پلاتفرم سیاسی دیگری است که مبلغ آتشین خود را در قامت عبادی بر سر "تفاوت بین اسلام زن ستیز و اسلام زن دوست" به جلو هل داده است. ظاهراً عروج داعش در خاورمیانه مستمسک مناسبی برای امثال شیرین عبادی با پلاتفرم ارتجاعی و ضد زن او است. غش و ریسه رفتن های عبادی برای روحانی ها، خاتمی ها و موسوی ها و کل جنبش اصلاح طلبی و یافتن یافتن هایش با نشستن بر مسند عبادی دین و ترهاتی از این دست که "زن در اسلام محترم است"، بیش از حد رقت انگیز است. بله، خانم عبادی مدعی است که نماینده راستین اسلامی است که از "بنیادگرایی" و دیدگاه سنتی و ارتجاعی مبرا است. محک زدن این ادعاها برای هر زن ایرانی چند دقیقه بیشتر وقت نمی برد. رجوع به قوانین اسلامی و دولتی موجود، قرآن و احادیث و بویژه "مقالات روشنفکران اسلامی" که درباره زن و حقوق اجتماعی او صادر شده اند، خود گواه پوچی "مدرن" بودن اسلام و خوش خیم بودن آن است. راستش وقاحت زیادی میخورد تا کسی به مناسبت روز جهانی "منع خشونت علیه زنان" اینچنین بی پروا از ضد زن ترین و خشن ترین نوع مذهب و دولت نماینده آن در ایران اینگونه دفاع کند. شاید باید به همین دلیل مدال دیگری به مدالهای خانم عبادی در دفاع از ارتجاع اسلامی حاکم در ایران و قوانین ضد زن آن اهدا کرد!!! ایشان اخیراً به موسسه بین المللی مطالعات اجتماعی هلند دعوت شد و اینگونه لب به سخن گشود: "برای مقابله با بنیادگرایی که با سوء استفاده از نام اسلام حقوق زن را پایمال میکنند، باید قرائت جدیدی از اسلام که معتقد به حقوق زن است را رواج داد... مسلمانان مدرن استدلال

میکند که میتوان بین احکام شریعت و ضوابط حقوق بشر سازگاری برقرار کرد... و نهایتاً "باید به افکار مدرن اسلامی بها داد و کتب و مقالات روشنفکران اسلامی را ترجمه و منتشر کرد..." آیا ایشان واقعا جرات میکنند این خزعبلات را در تهران و اصفهان و قم و سنندج در تجمع زنان و مردان آزادیخواه و متعرض به اسیدپاشی پادوهای اسلام خوش خیم حاکم در ایران ایراد کنند؟! خانم عبادی هم حافظه جامعه ایران را دستکم گرفته اند و هم زیادی روی الطاف دول غربی به دولت "امید و اعتدال" و قهرمان آن اسید روحانی حساب باز کرده اند. مردم در ایران و بویژه زنان فراموش نکرده اند که توحش داعش را جمهوری اسلامی ۳۰ سال پیش پایه ریزی کرد و سنت و فرهنگ اسید پاشی روی صورت زنان، پونز کوبیدن، سنگسار و اعدام و خشونت را قیل از طالبان و داعش، رهبران "اسلام خوش خیم و مدرن" ایشان در ایران پایه ریزی کردند.

"اسلام مدرن" دیگر چه مقوله ای است؟! مدرن و مدرنیسم که مقدساتی برای خود تعریف نمیکند. با اضافه کردن "اسلام" به آن، بی نهایت تهی می شود. چرا که مذهب همیشه بیانگر مطلق گرایی، عدم تغییر و عدم حرکت، سکون فکری و جزمیت است. کسی که دین دار است حق ندارد و نباید در اصول اولیه و پایه های دینی ذره ای شک کند. نمی توان هم روشنفکر بود و هم به این اعتقاد داشت که زمین در یک هفته بوجود آمده است؛ نمی توان هم روشنفکر بود و هم به "معاد" و دنیای پس از مرگ اعتقاد داشت. اگر کسی بخواهد روشنفکر باشد باید در ابتدا با دین مبارزه کند. لذا، کوتاه آمدن در برابر "اسلام مدرن" و "اسلام خوش خیم" و به رسمیت شناختن چنین اراجیفی ابدی قابل قبول نیست. این نوع استدلال خانم عبادی، در خدمت حفظ جوهر زن ستیز اسلام و مصون نگه داشتن بنیان های اسلام از تعرض ضد مذهبی زنان و مردم معترض ایران است. از نظر عبادی، اسلام فی النفسه اشکالی ندارد، این زیاده روی ها و افراطی گری بنیاد گرایان است که ایجاد اشکال کرده است. در حالیکه اسلام نه فقط با "حقوق بشر" که با نفس حیات بشر در تناقض است. اسلام ضد بشر است. اسلام، مانند هر دین دیگری، دین جهالت، دین تبعیض و خشونت، دین زن ستیزی، دین کودک آزاری و دین جنایت است. مذهب، هر نوع آن، کوچکترین سختی با آزادی و اختیار انسان ندارد. اسلام سر سوزنی با ابتدائی ترین امیال بشر امروز خوانائی ندارد. اسلام دین عبودیت و اسارت است. باید پرسید بیش از سه دهه حاکمیت ارتجاع قرون وسطائی اسلام در ایران، با کارنامه یکصد و پنجاه هزار اعدامی، میلیونها زندانی و شکنجه شده، میلیونها آواره، میلیونها قربانی جنگ و عظمت طلبی اسلامی - ایرانی، فقر و فلاکت اکثریت عظیم جامعه، آپارتاید جنسی، و تحمیل خدا و خون و خفقان کافی نیست؟ نه تنها قوانین اسلام بلکه همه مذاهب، سراسر مملو از

احکام و سنن متعفن است که زن ستیزی یکی از شالوده های اساسی همه آنها است. این وحوش را نمیتوان "اهلی" کرد؛ آنهایی که میخواهند تحت نام "اسلام مدرن" حمایت آشکارشان را از قوانین ضد زن رژیم اسلامی توجیه کنند، بزرگترین دشمنان آزادیخواهی و برابری طلبی در ایرانند. ریاکارانی اند که رقابت با بلوکهای حریف و منافع سیاسی و اقتصادی، وادارشان کرده که این موضع ارتجاعی و ضد انسانی را اتخاذ کنند. اینها از ترس سست شدن بنیادهای دین و مذهب در ایران و منطقه خاورمیانه به دست و پا افتاده اند؛ اینها از دست مساله زن کلافه شده اند.

قطعاً میتوان تمام قوانین اسارتبار اسلامی را نه تنها "اصلاح" بلکه بطور کلی ملغی کرد، اما نه تحت نام "اسلام مدرن"، نه به نیروی اصلاح طلبان و گاو بندی های جناحی در جمهوری اسلامی، و نه با جنبش دو خرداد و سبز و دولت اعتدال، بلکه به نیروی انقلاب کارگران و بطور کلی با جدائی قطعی مذهب از دولت!

مساله زن، اما خانم عبادی و کل جمهوری اسلامی را واقعا کلافه کرده است. "رهایی زن" در اذهان میلیونها مردم محروم ایران، اعم از زن و مرد به معیار آزادی جامعه و آزادیخواهی هر نیروی سیاسی بدل شده است. در این میان اصلاح طلبان و فمینیست اسلامی هایی که میخواهند دمکرات نمائی کنند چه کنند؟ اگر اسلامشان را نگاه دارند چگونه در برابر تجربه زن در اسلام، یعنی در برابر تجربه دردناک میلیونها زن محروم و بی حقوق در ایران امروز، موضع بگیرند؟ اگر از رهایی زن بگویند اسلامشان را کجا پنهان کنند؟ اسلامی که ماهیت ارتجاعی خود را بطور ویژه در رابطه با حقوق اجتماعی زن، به روشنی و بیش از سه دهه است که در عملکرد جمهوری اسلامی به ثبوت رسانده است. اسلامی که از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب خاورمیانه، هیکل کرپه خود را یک روز تحت نام جمهوری اسلامی، طالبان، القاعده و روز دیگر تحت نام "داعش" توسط پول و امکانات دول غربی و در راس آن آمریکا، به نمایش گذاشته و کثافت پخش می کند. باید اذعان کرد که اوضاع امروزشان در ایران بن بست هولناکی است و خروج از آن البته که به نبوغ عبادی ها در خوش خیم جلوه دادن اسلام و رهایی زن هر دو نیاز دارد. هر جنبش و گرایشی در ایران امروز، اگر بشدت ضد مذهبی، ضد اسلام، ضد حکومت اسلامی نباشد، طرفدار جدی پیدا نخواهد کرد. بر این اساس است که باید توجه کرد که امثال عبادی ها و اصلاح طلبان بطور کلی قادر نیستند از چهارچوبه و افق بورژوازی هار اسلامی در مورد "رهایی زن" فراتر روند. وقتی که سنت ملی اسلامی بورژوازی ایران دچار چنین مخمصه ای که می بینیم هست، عبادی طرفدار و پرچمدار آنهم بهتر از آنچه که ذکرش رفت نخواهد شد. انقلاب کارگری در ایران بنیادهای تبعیض و نابرابری منجمله اسلام خوش خیم خانم عبادی را از ریشه خشک خواهد کرد. انقلابی که مبشر رهایی میلیونها زن در ایران خواهد بود. آئروز خانم عبادی همراه رهبرش روحانی باید سوراخ موشی دست و پا کند.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

**عمله ها ...**

مطابق قانون مزبور میبایست هزینه بیمه ها از طریق کارگران ۷ درصد، کارفرمایان ۲۰ درصد از طریق هزینه کسب جواز ساخت و مابقی از طرف دولت تامین گردد. همزمان کارفرمایان ده رشته اصلی ساختمان سازی از پرداخت هزینه بیمه کارگران معاف گشتند. مصوبه دیگری از مجلس خبرگان هر گونه قانونی که مستلزم هزینه جدیدی برای صندوق دولت داشته را غیر ممکن میساخت. به این ترتیب تنها تعدادی از کارگران میتوانستند زیر چتر بیمه قرار بگیرند که قبلا کل هزینه بیمه آنها (از کانال حق عضویت کارگران و احتمالا هزینه کارفرماها) به صندوق سازمان بیمه وصول گشته باشد. تا سال ۹۱ طول کشید تا دولت توانست محاسبه کند که این پول وصول شده میتواند بیمه دویست هزار کارگر ساختمانی را پوشش دهد.

همزمان و بلاخره وزارت کار مراحل اجرایی صدور کارت مهارت کارگران بعنوان شرط شمول قانون بیمه را فراهم آورد. خرداد سال ۱۳۹۲ مسئولین انجمن صنفی کارگران که در اجرای طرح دستی بر آتش دارد اعلام نمود بدلائل مشکلات فنی تنها هشتاد هزار نفر کارگر ساختمانی در چهارچوب طرح شناسایی شده اند. ... در سال ۹۳ این طرح بدلیل دودلی های دولت و مصوبات تازه تر از مجلس برای کاهش سهم کارفرمایان عملا متوقف شد. وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی و دولت حاضر به پاسخگویی به بیمه ای که هرگز اجرا نشد و پول به جیب زده شده از دستمزد کارگران بعنوان هزینه بیمه، نیستند! آقای ترکان و دولت متبوع در صحنه آخر روی اکران تشریف دارند.

ساختمان سازی ماشین پرکار حوادث محیطهای کار است. تنها بطور متوسط نام یک کارگر هر روز

به لیست مرگ وزارت کار افزوده میشود. بنا به مصوبه رسمی مجلس هر گونه رسیدگی به شرایط ایمنی محیطهای کار از دستور وزارت کار خارج گردیده و هر مورد بازدید احتمالی منوط به شکایت کارگران است که البته قبلا باید موضوعیت آن به تایید برسد! کار ساختمانی به آشوبتسی شباهت دارد که دیگر کسی حوصله شمارش قربانیان فرسودگی و مخاطرات و سرنوشت سیاه آنها را ندارد. قراردادهای سفید، بکارگیری کارگران مهاجر افغانستانی، بی قانونی محض در این عرصه بیداد میکند. پیمانکاری، کارهای موقت و فصلی، انواع شکافها میان کارگران فرصت بی نظیری را در اختیار کارفرمایان (و در راس آنها خود دولت، شهرداریها، ارتش و سپاه و بسیج سازندگی) قرار داده است که بساط استثماری وحشیانه ای را سازمان دهند. ساختمان سازی مرکز پر تپش تولید و سازندگی و چراغ جادوی ثروت و ثروت نشینهای جدید و بیشمار در ایران هستند.

ساختمان سازی در پانزده سال اخیر تناقضی را با خود بهمراه داشته و هر چه بیشتر فشار این تناقض را به جامعه تحمیل کرده است. سوال اینست که در مقابل یک جبهه کاری پراکنده و غیر متشکل، جایی که تحمیل سیاه ترین روابط به کارگران رایج است پس چگونه است که دولت و رئیس جمهور و دوره های مجلس یکی پس از دیگری در مصاف با مقوله بیمه ها و بیمه بیکاری برای کارگران ساختمانی بر سر و کله خود و یکدیگر کوبیده اند؟

اگر قرار بر بامبول و عدم پرداخت بیمه ها بر کارگران است ( که رسما و عملا بدینگونه است) پس لزوم زنده نگاه داشتن مطالبه بیمه بیکاری و سر و صدا بر سر آن از کجا ناشی میشود؟ پاسخ

*استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر یا باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوایی نوسازی و بازسازی شده اند.*

*ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژاد پرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سربریزر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوایی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند. ...*

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست - خط رسمی)

این سوال را باید در تحولات عمیق و سریع در بستریهای سیاسی و اقتصادی ایران جستجو کرد.

بر خلاف تصویر نسبتا رایج از کارگران ساختمانی بعنوان "عمله ها" امروز بحث بر سر یک صنعت مدرن و عظیم در ایران است. تصویر چندش آور بالا شهری و تحقیر آمیز از "عمله" بجای خود، اما کارگر ساختمانی امروز بیشتر از زحمتکش کم سواد روستایی، با یک شهروند با سواد، شهری، پر توقع و فنی کار مشخص میشود. هنوز هزاران کوره پزخانه با کارگر خانوادگی در این صنعت جا دارد اما ساختمان سازی معیار و وزن دیگری را در خود جا داده است. مساله دیگر اینست که قراردادهای پروژه های ساختمانی عمدتا طرف حساب کارگران خود دولت قرار گرفته است. در چشم کارگر آگاه این دولت است که در مقابل دستمزدها و خواست کارگران شانه بالا میاندازد، در حین ساختن کاخهای آنچنانی همین بالایی های جامعه است که جان میکنند و برادرانشان جان میدهند. در واقع این کارگران ساختمانی، با ترکیب جدید این بخش، با نقش و مهارت صنعتی بسیار بالا است که بیمه های اجتماعی و بیمه های بیکاری را به دستور جلسات دولت و مجلس اضافه و تحمیل میکنند. مرکز کار این کارگران بیشتر از اینکه میدان جنوبی شهر باشد، در قلب شهر است، مراکز کاربایی اینها مستقیما در مصاف اداره کار است، طرف حساب اینها صاحبان پروژه های چند صد نفره است. از همین جاست که بخش ساختمانی، علارغم همه دشواریها توانسته است زمین را در یکی از مهمترین عرصه های مبارزه کارگری زیر پای دولت و جامعه گرم نگه دارد.

تا آنجا که به آقای ترکان و دولتشان برمیگردد، راستش زیاد لازم نیست نه اظهار فضل در مورد چگونگی رونق در عرصه ساختمان سازی را جدی گرفت و نه لحن بد دهن ایشان را. ایشان تقصیری ندارد، در قبال فیش ماهانه حقوق ماهانه باید هر روز لگدی به کارگر بزند. دلسوزی برای کارگر قبایی است که خود برای خود دوخته است، بیمه و بیمه بیکاری تخم لقی است که کارگر به دهان این جماعت انداخته است.

درست مانند نمونه کارگران معادن بافق همه چیز به این گره خورده است که کارگر ساختمانی با این دولت چکار خواهد کرد. کارگران ساختمانی در موقعیتی قرار دارند که تکلیف بامبول بازی دولت در زمینه بیمه ها و بیمه بیکاری برای کل کارگران صنعتی در ایران روشن کنند.

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com